



به مناسبت اعیاد و سالروز پیروزی انقلاب اسلامی انجام شد

موافقت رهبر فرزانه انقلاب با عفو

یا تخفیف مجازات ۳ هزار محکوم



- پنجشنبه ۱۸ بهمن ۱۴۰۲
- ۷ شعبان ۱۴۴۶
- ۶ فوریه ۲۰۲۵
- سال سی و یکم
- شماره ۸۶۲۲
- صفحه ۱۶

- قیمت در سراسر کشور: ۵۰۰۰ تومان

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

تحلیگران ایرانی و بین المللی درباره نسخه دوم فشار حداکثری ترامپ چه می‌گویند؟

دوئل راهبردها از تهران تا واشنگتن



واکنش پزشک‌یان به اقدام اخیر ترامپ:

کشوری با این ظرفیت و ارتباطات قدیمی

با همسایگانش رامی توان به این سادگی تحریم کرد؟

مشکلات با مذاکره و پرهیز از خشونت قابل حل است

بایدگه‌هایی از:

ابراهیم متقی، ناصر هادیان، فؤاد ایزدی، میریوسف علوی، حیدرعلی مسعودی، دیوید سنگر و تری‌تا پارسی



ترامپ از این منظر انگیزه زیادی دارد تا پرونده چالش‌های متعدد با ایران را در یک فرمت ۱+۱ پیش ببرد و حل و فصل نهایی آن را به نام خود به ثبت برساند.

- مذاکرات دو کشور تنها در صورتی راهی برای رسیدن به نتیجه پیدا می‌کند که جامع و مستقیم باشد؛ زیرا سیاست آمریکا تاکنون «مهار به علاوه تعامل گزینشی» و سیاست ایران هم «ضد مهار به علاوه تعامل گزینشی» بوده که به دفعات و فقط در موارد اورژانسی به حل و فصل موضوعات در دستور کار دو طرف انجامیده است اما گذر زمان و روند تصاعد ناشی برای آماده‌سازی بستر دیپلماسی در کوتاه مدت در مسیر حل چالش‌هاست. - ترامپ به عنوان یک تاجر و فردی خودشیفته، حل مسأله ایران را فرصتی برای افزایش پستیژ شخصی خود می‌داند. او ممکن است تصور کند که راهکار چالش ایران می‌تواند جایزه نویل صلح را برایش به اربغان بیاورد و در شرایطی که به مدت ۴۶ سال هیچ رئیس جمهوری از آمریکا نتوانسته این موضوع را حل کند، با بستن پرونده ایران، دستاوردی تاریخی برای خود رقم بزند. همچنین بازار بزرگ ایران نیز انگیزه اقتصادی مهم ۸۰۰ الی ۹۰۰ میلیارد دلاری برای رئیس جمهوری آمریکااست.

منظم و هدفمند علیه ایران است و به گونه‌ای طراحی شده که همه ابعاد و جنبه‌ها از مسائل هسته‌ای گرفته تا تروریسم، وضعیت منطقه‌ای، حقوق بشر و مسائل اقتصادی را پوشش می‌دهد. - اعلام آمادگی برای مذاکره با ایران هم فارغ از ابعاد تاکتیکی در مسیر اجرای سیاست فشار حداکثری علیه ایران نیست. ترامپ با استفاده از عباراتی مانند «من آماده مذاکره هستم»، تلاش می‌کند عزم خود را نشان دهد اما هم‌زمان سعی دارد تدابیری را موضوع را حل نشان دهدند ادامه فشارهاست. این تناقض تلاشی برای آماده‌سازی بستر دیپلماسی در کوتاه مدت در مسیر حل چالش‌هاست.

- ترامپ به عنوان یک تاجر و فردی خودشیفته، حل مسأله ایران را فرصتی برای افزایش پستیژ شخصی خود می‌داند. او ممکن است تصور کند که راهکار چالش ایران می‌تواند جایزه نویل صلح را برایش به اربغان بیاورد و در شرایطی که به مدت ۴۶ سال هیچ رئیس جمهوری از آمریکا نتوانسته این موضوع را حل کند، با بستن پرونده ایران، دستاوردی تاریخی برای خود رقم بزند. همچنین بازار بزرگ ایران نیز انگیزه اقتصادی مهم ۸۰۰ الی ۹۰۰ میلیارد دلاری برای رئیس جمهوری آمریکااست.

شریعتمداری در دیدار مدیرعامل بانک سپه:

بنگاه

اجرای طرح‌های بزرگ صنعت پتروشیمی مستلزم ایجاد کنسرسیونم بانکی است

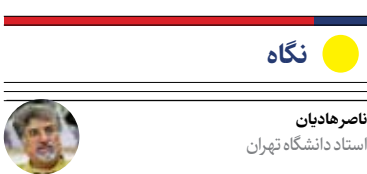


داشتیم که این فعالیت‌ها باید توسعه پیدا کند.

در ادامه ابراهیمی، مدیرعامل بانک سپه نیز به ارائه گزارشی از وضعیت مالی و فعالیت‌های این بانک پرداخت و آمادگی بانک سپه جهت توسعه همکاری‌های مالی با شرکت صنایع پتروشیمی خلیج‌فارس را اعلام کرد.

در این دیدار طرفین به بحث و تبادل نظر در خصوص نحوه همکاری‌ها

پرداختند.



ناصرهادیان

استاد دانشگاه تهران

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا سرانجام پس از بازگشت به کاخ سفید، سیاست خود در قبال جمهوری اسلامی ایران را آشکار کرد. درحالی‌که از ماه‌ها پیش گمانه‌های متعددی پیرامون رویکرد او در قبال ایران مطرح و از گزینه حمایت از اقدام نظامی گرفته تا «فشار حداکثری» و «دیپلماسی» پررنگ شده بود، رئیس جمهوری آمریکا با امضای یادداشت سیاسی خود از ابعاد و جزئیات این سیاست رونمایی کرد. ارائه ملاحظات و نکاتی چند پیرامون این تصمیم ضروری می‌نماید. - ترامپ در پیگیری رویکرد نوین خود در قبال جمهوری اسلامی ایران استفاده توأمان دو گزینه «دیپلماسی» و «فشار حداکثری» را در دستور کار قرار داده است.

این درحالی است که طی هفته‌های اخیر، نشانه‌هایی از حرکت او به سمت گزینه «دیپلماسی» پدیدار شده بود اما او با

فشار حداکثری؛ کاتالیزور توافق؟



ناصرهادیان

استاد دانشگاه تهران

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا سرانجام پس از بازگشت به کاخ سفید، سیاست خود در قبال جمهوری اسلامی ایران را آشکار کرد. درحالی‌که از ماه‌ها پیش گمانه‌های متعددی پیرامون رویکرد او در قبال ایران مطرح و از گزینه حمایت از اقدام نظامی گرفته تا «فشار حداکثری» و «دیپلماسی» پررنگ شده بود، رئیس جمهوری آمریکا با امضای یادداشت سیاسی خود از ابعاد و جزئیات این سیاست رونمایی کرد. ارائه ملاحظات و نکاتی چند پیرامون این تصمیم ضروری می‌نماید. - ترامپ در پیگیری رویکرد نوین خود در قبال جمهوری اسلامی ایران استفاده توأمان دو گزینه «دیپلماسی» و «فشار حداکثری» را در دستور کار قرار داده است.

این درحالی است که طی هفته‌های اخیر، نشانه‌هایی از حرکت او به سمت گزینه «دیپلماسی» پدیدار شده بود اما او با

یادداشت یک

الگوی هزار خورشید ماندگار



احمد‌مردی

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی

سفری یک روزه به یزد که سه‌شنبه ۱۶ بهمن ماه انجام شد، سفری آرام بود؛ همانند مردمش. درباره جلسه شورای اشتغال و پیگیری ایجاد فرصت‌های شغلی در استان یزد در فرصتی دیگر خواهم نوشت. اما بعد از ظهر این روز، در دامنه «شیرکوه» و دل بیابان، برای افتتاح نیروگاه ۵ مگاواتی خورشیدی رفتم؛ نیروگاهی که در زمینی به مساحت هفت و نیم هکتار و طی ۵ ماه احداث شده بود. نام نیروگاه با شیوه ایجادش هم خوانی داشت: «هزار خورشید ماندگار».

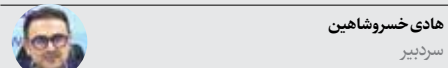
سازمان بهزیستی یزد در طرحی خلاقانه، هزار معلول جسمی و حرکتی را به مشارکت دعوت کرد و به هر کدام از آنان مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان وام اختصاص داد. مجموع این وام‌ها، که به ۱۵۰ میلیارد تومان می‌رسید، تأمین مالی ساخت

نیروگاه را ممکن کرد. در مقابل، به هر یک از این هزار نفر، ۵ کیلووات سهم از ظرفیت انرژی تولیدی این نیروگاه اختصاص داده شد. از محل فروش برق تولیدی نیروگاه، به هر سهامدار ماهانه ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان سود تعلق می‌گیرد که یک میلیون و هفتصد هزار تومان آن بابت اقساط وام کسر شده و بقیه به حساب مددجویان واریز می‌شود. اقساط وام از محل فروش برق پرداخت می‌شود و در نهایت، پس از تسویه وام، هر کدام از این هزار مددجو سهامدار نیروگاه خورشیدی خواهند شد. به این ترتیب تا ۲۵ سال هر کدام از معلولان سهامدار در این نیروگاه، صاحب ۵ کیلووات برق است و از سود تولید انرژی خورشیدی بهره‌مند خواهند شد. این اتفاق گامی کوچک در جهت حل ناترازی برق و در عین حال گامی بزرگ است برای ایجاد همبستگی؛ و هر دو از جنس نیازهای امروز ایران. این طرح، هم به هزار معلول فرصت کسب درآمد می‌دهد و هم در این شرایط دشوار، بار کوچکی از دوش شبکه تولید برق کشور برمی‌دارد. چنین ایده‌هایی در استان‌های دیگری که امکان اجرا دارند هم قابل اجراست. ایران را ایده‌های نو و فرصت‌های تازه می‌سازد. من کنار ایده‌های نوآورانه و سازنده خواهم ایستاد.

ایران

سرمقاله

ایران با ترامپ چه کند؟



هادی خورشاهیان

سردبیر

ترامپ تافته‌ای جداافتاده از همه رؤسای جمهوری آمریکااست که پس از جنگ جهانی دوم به قدرت رسیده‌اند؛ نه همچون جمهوری خواهان کلاسیک و نومحافظه‌کاران حامی مداخله‌گرایی حداکثری است و نه چون دموکرات‌ها و لیبرال‌ها جهان وطن‌گرا. او در واقع روح زمانه خود را نمایندگی می‌کند؛ زمانه‌ای که در آن مالیات‌دهندگان آمریکایی از تریلیون‌ها دلار هزینه‌های برون‌مرزی کشورشان در قالب ایفای نقش پلیس جهانی به ستوه آمده‌اند و سیاست بنیادین متفاوتی را طلب می‌کنند. این به ستوه‌امدگان با جنگ‌های بی‌پایان، تجارت آزاد و حمایت بی‌حساب و کتاب از متحدان و همه آن چیزهایی که تاوأم حاکمیت‌نخبگان سنتی را بازنمایی‌کنند، سرعناد دارند و اتفاقاً همین‌ها اصلی‌ترین پایگاه رأی ترامپ هستند و عوامل مؤثر در پیروزی وی در انتخابات ۲۰۱۶ و ۲۰۲۴. به همین دلیل هم نه از ۲۰ ژانویه امسال بلکه از ۲۰ ژانویه ۸ سال پیش عصر پرسش‌های بنیادین در سیاست خارجی آمریکا آغاز شد؛ در این برهه زمانی تصمیم‌سازان سرگرم پرسش‌هایی چون چگونه می‌توانیم بازتعریف نقش آمریکا در نظام بین‌الملل هستیم؛ این نقش باید به‌گونه‌ای ایفا شود که ایالات متحده را درگیر سه موضوع خاص نکند: جنگ، بردوش کشیدن تعهدات متحدان و سیاست‌های مداخله‌جویانه پرهزینه بر پایه هنجارهای آمریکایی. اما از درون چنین محدودیت‌هایی، انزواگرایی قرن نوزدهمی هم بیرون نمی‌آید بلکه ایالات متحده در عصر ترامپبسم در صدد است نقش خود را در میانه انزواگرایی و مداخله‌جویی بازبازی کند. با این اوصاف آنها که به دنبال متمایز ساختن ترامپ اول و دوم هستند و در این مسیر تلاش بی‌وقفه‌ای نیز از خود به خرج می‌دهند، در مسیر اشتباه قدم برمی‌دارند. به دلیل عدم فهم درست از تحولات بنیادین در سیاست خارجی آمریکا، تمایزگذاری میان دولت اول و دولت دوم ترامپ از روی نشانه‌هایی انجام می‌شود که اغلب به فاجعه‌بارترین شکل مورد تفسیر قرار گرفته‌اند. یکی از آنها حضور نومحافظه‌کارانی چون پمپئو و بولتون در کابینه ۸ سال پیش و حذف آنها از کابینه جدید است. در حالی که ترامپبسم در هر دو دوره در چهارچوب یک راهبرِد مشخص (اول آمریکا) در حال حرکت بوده و استفاده رئیس جمهوری آمریکا از چنین چهره‌های جنجالی کاملاً فرصت‌طلبانه و ابزار بوده است. کابینهت به سیاست خاص ترامپ در مورد ایران رجوع کنیم تا پایه‌های استدلالی چنین مدعایی روشن شود. ترامپ به کمپین فشار حداکثری به مثابه کارت بازی و ایجاد اهرم‌های فشار برای کسب حداکثر امتیازات جهت مصالحه نگاه می‌کند؛ این راهبرِد از نظر وی کم‌هزینه‌و در عین حال پیگیری صلح (به‌تعبیرآمریکایی‌ها) به شیوه دیگر است. از این حیث تفاوت چندانی بین سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۲۵ دیده نمی‌شود. حال در این میان پرسش مهم معنای حضور تندروها البته با چهره‌های متفاوت در هر دو کابینه است. این حضور را اجرای راهبرِد اصلی معکوس کردن جمله معروف تئودور روزولت در بیش از یک قرن پیش است: «در حالی که نژاکت به خرج می‌دهی؛ چماقی هم بالای سرت نگه دار.» اما ترامپ برای ایفای نقش بازیزگر دیوانه و تقویت پیش‌بینی‌ناپذیری در حوزه عمل به این گزاره متوسل می‌شود: «در حالی که پرخاشگری می‌کنی؛ چماقی هم بالای سرت نگه دار.» همین نیاز مبرم به پرخاشگری، حضور تندروها در دولت‌اش را توجیه می‌کند؛ به عبارت دیگر این افراد تیزی راهبرِ دش را زدن می‌کنند. با این حال چنین استفاده ابزاری با شگرد خاصی توسط وی انجام می‌شود؛ یعنی این مهره‌ها وارد سیاست همچون کمپین فشار حداکثری می‌شوند بدون آنکه بدانند غایت این سیاست با غایتی که آنها در سر می‌پروراندن یعنی تغییر رژیم بنیادین متفاوت است. آنها در مقطع زمانی‌ای متوجه چنین استفاده ابزاری می‌شوند که بسیار دیر شده چرا که زمان حذف آنها از مناصب رسمی فرا رسیده است؛ دقیقاً همان اتفاقی که بولتون در سال ۲۰۱۹ تجربه کرد. در واقع ترامپ با پیگیری فشار حداکثری از طریق تندروها درصد ترساندن حریف و عقب راندنش جهت کسب مزیت بیشتر در مذاکره یا ورود به گفت‌وگو از موضع بالاتر است. اما در اعمال این سیاست محدودیتی را هم در نظر می‌گیرد؛ محدودیت اول پرهیز از جنگ است. (به دلیل حساسیت بالای پایگاه رأی‌اش به هزینه‌تراشی در سیاست خارجی) اگر ترامپ تشخیص دهد که این سیاست در پروسه اجرا، ایالات متحده را به جنگ نزدیک می‌کند؛ چند قدم عقب می‌شنند. این اتفاق در سال ۲۰۲۰ و با استراتژی تغییر زمین بازی توسط ایران و نشان دادن هزینه‌های تاوأم فشار حداکثری برای آمریکا در عمل رخ داد؛ بخصوص با بالا گرفتن تنش‌ها پیش و پس از ترور سردار سلیمانی و پیش رفتن تهران و واشنگتن تا آستانه جنگ. از همین مقطع زمانی بود که ایران بتدریج توانست صادرات نفتی خود را افزایش دهد و در دوره دولت دموکرات‌ها به حد نسبتاً مطلوب برساند. محدودیت دوم، پیوند نزدیکی با تعجیل ترامپ در رسیدن به نتیجه دارد. او در دوره پیش انتظار داشت ایران یکی دو سال پس از آغاز فشار حداکثری سینگنال‌های ورود به مذاکره را بدهد؛ اما در عمل چنین نشد و عطش‌اش برای رسیدن به نتیجه باعث شد که در سپتامبر ۲۰۱۹ از طریق مگرون به تهران پیشنهاد مذاکره بدهد یا در جولای همان سال از طریق دوست ستاوتروژن رد پال بخواهد که ظرف برای دیدارش به کاخ سفید برود.

با این اوصاف فضای وی بر یادداشت ضد ایرانی ۵ فوریه تکبیه بر همان راهبرِد دولت اول را نشان می‌دهد. اما در مرحله اول و پیش از اجرا از آن به مثابه اهرمی برای تهدید استفاده خواهد شد. (چماق) و ادبیات مبنی بر تمایل برای مذاکره با تهران در نقش هوید خواهد بود. در این مرحله ترامپ سعی خواهد کرد به جمله تاریخی روزولت بطور کامل وفادار بماند اما با گذشت زمان و نشانه‌هایی از مقاومت حداکثری از سوی تهران به روند معکوس‌سازی این جمله تاریخی باز خواهد گشت. (پرخاشگری همراه با در دست داشتن چماق) اما با توجه به در نظر گرفتن محدودیتی که حداقل در دولت اول و در اجرای فشار حداکثری به نمایش گذاشت؛ بهتر است تهران در کنار سیاست مقاومت حداکثری‌الگوی مذاکراتی خاصی را هم تدارک ببیند تا در صورت بروز عقب‌نشینی‌هایی در واشنگتن، فرصت‌سازی دیپلماتیک برای افزون‌سازی منافع ملی را از دست ندهد.